



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



یادبود مجلس بزرگ گدائست، حضرت نوح (ع) پر جشن سالانه علیا

قم مقدس، جمادی الثانی ۱۳۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غریت نرجس سلام الله علیها

نویسنده:

سید رضا هاشمی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	غربت نرجس سلام الله علیها
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه استاد سید رضا هاشمی در کتاب حضرت نرجس علیها السلام
۶	اشاره
۶	درست کرداری و پاکیزگی در محیطی ناسالم
۷	مصداق بارز ملاک نبودن قبیله و زبان و... در تقرب به خداوند
۱۱	برتری حضرت نرجس خاتون علیها السلام بر بسیاری از زنان مؤمن
۲۵	نقل از کتاب این جا سامراء است استاد بحرینی
۲۵	اشاره
۲۵	نرجس خاتون علیها السلام
۲۹	آخرین عصر جمعه ماه شعبان
۳۲	سخت ترین روز زندگی
۳۶	پایان عمر
۳۹	جمع میان مدارک زمان وفات نرجس خاتون
۴۳	نرجس خاتون در منظومه شعر
۴۹	کرامت و زیارت عاشورا
۴۹	اشاره
۵۰	داستان زیارت عاشورا به امر آقای محمد فشارکی
۵۸	عنایت امام عصر (عج) به خادم حرم عسکریین علیهما السلام با توسل به حضرت نرجس خاتون علیها السلام
۶۱	عنایت حضرت نرجس خاتون علیها السلام برای خرید خانه
۶۲	کتاب نامه
۶۷	کلام پایانی
۶۸	درباره مرکز

مولف: سید رضا هاشی

قم، 1444

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس قمی

مقدمه استاد سید رضا هاشی در کتاب حضرت نرجس علیها السلام

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

تا از سفر روم به بغداد شدی *** با دیدن بیک نور دلشاد شدی

در قصر ملک دلت از غم ویران بود *** در سامره لیک خانه آباد شدی

توفیق بزرگی نصیبم شد که به پیشنهاد برادر بزرگوام جناب آقای خرم فر مقدمه کوتاهی برکتاب اشعار مرتبط با ملیکه دنیا و آخرت حضرت نرجس خاتون علیها السلام بنویسم.

از آنجایی که گمان میکنم عزیزانی که این کتاب گران سنگ را مطالعه میکنند آشنایی اجمالی بلکه تفصیلی با زندگی والده ماجده امام عصر ارواحنا فداه - دارند، برآن شدم به یادآوری چند ویژگی ممتاز آن بانو بسنده کنم:

درست کرداری و پاکیزگی در محیطی ناسالم

در طول تاریخ بندگان خالصی برای خدای متعال بوده اند که مانند ماه شب چهارده در محیط ظلمانی رویگردان از اخلاق و معنویت میدرخشیدند و چنان سلامت خود را حفظ کرد که به بالاترین درجات رسیدند؛ افرادی مانند حضرت خدیجه علیها السلام که

ص: 1

در محیط شرک آلود و به دور از عفت و اخلاق زمان جاهلیت به خدیجه طاهره» مشهور شد و به شرافت همسری خاتم انبیاء (صلی الله علیه و آله وسلم) نایل گردید؛ یا مانند بانو آسیه که چهل سال در خانه پلیدترین انسان، زیست ولی چنان طاهره ماند که خدای متعال او را در قرآن ستود

مادر والا مقام حجت بن الحسن - عجل الله تعالی فرجه الشریف- نیز در محیط ناپاک قصر قیصر چنان سلامت و طهارت دارد که ربّ العالمین دامان پاکش را ظرف وجود پُربرکت آخرین خلیفه خود بر میگزیند.

از اینکه حضرت نرجس علیها السلام چه شرایطی را در زندگی پیش از اسارت و ازدواج در روم طی کرد، گزارش چندانی در دست نداریم، اما یقین داریم که هیچ چیز در خاندان عصمت بی حساب و حکمت نیست و مسلماً بانویی که چنین شرافتی دارد پیشینه روشن و درخشانی نیز داشته است.

مصداق بارز ملاک نبودن قبیله و زبان و... در تقرب به خداوند

در مذهب اهل بیت علیهم السلام، قبیله تبار و نژاد اهمیتی ندارد آنچه مهم است. تقواست آنچه میزان سنجش آدمیان است تقرب به خداوند است

تعصبات قبیله ای در اعراب جاهلیت و حتی در دنیای پیشرفته و تکنولوژی زده امروزی سرنوشت ساز و تعیین کننده است؛ تعصباتی که میزان و ملاک داوری در مورد افراد قرار میگیرد.

تعصبات قبیله ای یکی از عوامل پیروزی کودتای سقیفه و غضب حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود.

تعصبات قبیله ای باعث شد تا بسیاری از مشرکان دعوت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را نپذیرند. بسیاری از مردم طائف می‌گفتند: ما به پیامبری که از قبیله ثقیف نباشد ایمان نمی‌آوریم!

مرحوم سید مرتضی نقل کرده است: روزی ابوجهل با پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) مصافحه کرد، به او گفتند ابوجهل! آیا با چنین کسی مصافحه میکنی؟! گفت: به خدا سوگند میدانم که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است، اما ما چه زمانی تابع فرزندان عبدمناف بوده ایم!!!

تعصب در مورد اعراب گونه خاصی دارد تا جایی که در روایت آمده است خداوند بسیاری از اعراب را به خاطر عصبیت عذاب میکند. همچنین در زمان پادشاه دوم حکومت کاملاً بر اساس تعصب عربی اداره میشد.

جالب است بدانید در سقیفه نیز هنگامی که ابوبکر می‌خواست بر برتری مهاجران نسبت به انصار استدلال کند چنین چنین گفت: «هُم أَوْسَطُ الْعَرَبِ نَسَباً وَدَاراً؛ اینان برگزیده عرب از حیث نسب و جایگاه هستند. (1)

حضرت نرجس خاتون علیها السلام مادر مولای ما امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نه عرب، بودند و نه در سرزمین جزیره العرب زندگی میکردند و نه حتی نژاد عربی داشتند؛ بانویی با نژاد رومی در

ص: 3

منطقه ای دور از جزیره العرب . اما برای خدای متعال و اهل بیت السلام علیهم السلام ، نژاد قبیله و زبان ملاک برتری نیست به راستی چه گوهری در وجود این بانو بود که خاتم انبیاء صلی الله علیه وسلم شخصاً از ایشان برای امام عسکری (علیه السلام) خواستگاری کردند؟

خداوند بزرگ بانویی را از سرزمین روم به شهر سامرا آورد و مادر آخرین خلیفه خویش قرار داد سبحان الله !!

در برابر مقام و منزلت این بانوی بزرگوار، عقل حیران می شود! حساس ترین لحظه عالم بشریت صبح روز نیمه شعبان است؛ آن هنگام که آخرین خلیفه خدا پای بر عرصه گیتی نهاد. امام عسکری (علیه السلام) به فرزند والا مقامش فرمود

تَكَلَّمْ يَا بُنِي، پسر من سخن بگو.

فَقَالَ: أَشَدَّ يَهْدُ اللَّهُ إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشَدَّ يَهْدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. آن وجود مقدس به یگانگی خدا و رسالت پیامبر گواهی داد.

ثُمَّ صَلَّى عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا أَنْ وَقَفَ عَلَيَّ أَبِيهِ.

و سپس بر امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین الا تا پدر بزرگوارش صلوات فرستاد.

نکته جالب توجه آن است که در چنین لحظه حساسی که بقیة الله الأعظم - عجل الله تعالی فرجه الشریف نام مقدس یازده امام معصوم را بر زبان مبارکش جاری، فرمود امام عسکری (علیه السلام) خطاب به حضرت حکیمه خاتون فرمودند:

يَا عِيَّةَ، اذْهَبِي بِهٖ اِلَى اُمِّهٖ لِيُسَلِّمَ عَلَيْهَا وَاَعْطِنِي بِهٖ.

عمه جان فرزندم را نزد مادرش ببر تا بر مادرش سلام کند

سلام خداوند بر مادر حجة بن الحسن که آخرین خلیفه خداوند در آغازین لحظات زندگی نورانی اش به امر امام عسکری (علیه السلام) بر او سلام کرد. (1)

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که مردم پس از ظهور وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با نام مبارک مادر بزرگوارشان آشنایی دارند یا دست کم بسیاری از آنان آشنا هستند؛ چرا که فرمودند:

زمانی که امر بر مردم مُشْتَبِه می‌گردد با ندایی از آسمان نام پدر و مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برده میشود و این شک و شبهه برطرف می‌گردد (2)

همه این امتیازاتی که خداوند متعال و اهل بیت عصمت علیهم السلام به حضرت نرجس خاتون علیها السلام داده اند نشان میدهد که در دین مبین اسلام و مذهب جعفری نژاد و تیره و تبار و قبیله و زبان ملاک، نیست، ملاک ایمان و تقواست

عن أبي حمزة، قال: دخل سعد بن عبد الملك - وكان أبو جعفر (عليه السلام) يسميه: سعد الخير وهو من ولد عبد العزيز بن مروان - علي أبي جعفر (عليه السلام)، فبينما ينشج

ص: 5

1- کمال الدین ج 2 ص 424.

2- غیبت نعمانی باب 14، حدیث 67 (آخر حدیث).

كما تنشج النساء، قال: فقال له أبو جعفر (عليه السلام): ما يبكيك يا سعد؟ قال: وكيف لا أبكي وأنا من الشجرة الملعونة في القرآن؟ فقال له: لست منهم؛ أنت أمتٌ مِنّا أهل البيت، أما سمعت قول الله - عز وجل - يحكى عن إبراهيم: (فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي.)

سعد بن عبدالملك كه- امام باقر (عليه السلام) او را سعد الخير مینامید و از فرزندان عبدالعزیز بن مروان بود در حالی که مانند زنان گریه میکرد، نزد امام باقر (عليه السلام) رسید.

حضرت (عليه السلام) فرمود ای سعد چه چیزی تو را گریانده؟ عرضه داشت چرا نگریم که من از نسل [درخت نفرین شده در قرآن هستم؟!

حضرت به او فرمود تو از آنان نیستی تو از نسل شان هستی ولی از ما اهل بیتی؛ مگر نشنیده ای سخن خدا در قرآن را نشنیده ای که از قول ابراهیم میگوید هرکه از من تبعیت کند از من است؟!!

برتری حضرت نرجس خاتون علیها السلام بر بسیاری از زنان مؤمن

همواره مردان و زنانی بوده و هستند که نزد خدای متعال آبرو دارند مقربان درگاه خداوند به شمار میروند و در بین همان زنان نیز تفضیل و تفاوت وجود دارد.

نکته شگفت انگیزی که راجع به مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد جمله ای است که در توصیف آن حضرت در روایات متعددی آمده است. از جمله از امام مجتبی (عليه السلام) در توصیف

وجود مقدّس مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که فرمودند:

التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ (1)

نهمین فرزند برادرم امام حسین فرزند سرور کنیزان است.

این تعبیر در نقلهای دیگری از امامان دیگر از جمله امام کاظم نیز گزارش شده که فرمودند:

ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَا دُتُّهُ.

او فرزند سرور کنیزان است کسی که ولادتش بر مردم پنهان میگردد.

اهل بیت طرفدار مکتب برده داری و کنیزداری نبودند و اشخاص را به خاطر این که کنیز یا عبد هستند به هیچ عنوان تحقیر نمیکردند. شاهد آن هم این است که مادر والامقام شش تن از امامان کنیز بوده اند و سپس «أم ولد» شده اند؛ یعنی مقام والای مادری امام معصوم (علیه السلام) به آنان عطا شده است.

معلوم میشود در مذهب اهل بیت علیهم السلام و در مرام خاندان عصمت کنیز بودن یا آزاد بودن به خودی خود یک امتیاز نیست؛ چرا که اگر کنیز بودن ایراد بود امامان معصوم علیهم السلام هرگز کنیزی را به عنوان مادرِ جانشین خویش نمی خواستند

ص: 7

ما برای آنکه این جمله شگفت انگیز در مورد حضرت نرجس خاتون علیها السلام را بهتر درک کنیم لازم است که به توصیف مقام دو تن از مادران امامان پردازیم که ام ولد یعنی کنیز بوده اند، سپس به مقام مادری حجت خدا نایل شده اند.

یکی از آنان، جناب «حمیده» مادر والا مقام امام کاظم (علیه السلام) است که در شأن ایشان فرموده شده:

مانند شمش طلا از تمام آلودگیها و بدیها پاک شده است. (1)

در جمله دیگری امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

حمیده در دنیا و محموده در آخرت! (2)

از بعضی گزارشها استفاده میشود که گاهی اشخاص سؤالات شرعی و فقهی خود را از جناب حمیده پرسیده اند.

بانوی والا مقام دیگری که کنیز، اما مادر امام و حجت خداست جناب «سمانه» مادر گرانقدر امام هادی (علیه السلام) است. در توصیف این بانوی طاهره خود امام (علیه السلام) می فرماید امی عَارِفَةٌ بِحَقِّي (3) مادرم حق [امامت] مرا می شناخت.

در ادامه میفرماید: هیچ شیطان سرکشی به مادرم نزدیک نمی شد. (4)

ص: 8

1- حَمِيدَةٌ مُصَفَّاءٌ مِنَ الْأُنْثَى كَسَيْبِكَةِ الذَّهَبِ ... الكافي، ج 1 ص 476.

2- حَمِيدَةٌ فِي الدُّنْيَا مَحْمُودَةٌ فِي الْآخِرَةِ ... الكافي، ج 1 ص 477

3- دلائل الإمامة، ص: 410.

4- لَا يَقْرُبُهَا شَيْطَانٌ مَّارِدٍ ... همان.

حال، بهتر میتوان معنای کلام امام مجتبی (علیه السلام) را درک کرد که نرجس خاتون را سرور کنیزان دانسته اند؛ یعنی آن بانو نسبت به بانوانی مثل حضرت حمیده و حضرت سمانه که خود از بالاترین اولیای خدای متعال بودند مقام سروری دارند. الله اکبر!!

و این جایگاه مطلقاً به معنای بی اهمیت شمردن جایگاه و مقام دیگر مادران پاکیزه اهل بیت علیهم السلام نیست.

آنچه عقل را بیشتر حیران و شگفت زده میکند آن است که نرجس خاتون نه تنها مقام سروری کنیزان دارند بلکه به نظر می رسد از بسیاری از بانوانی که کنیز نبودند و انتساب به اهل بیت عصمت علیهم السلام داشتند نیز مقام و جایگاه ویژه تری دارند.

به این گزارش که مرحوم صدوق در کتاب گران سنگ کمال الدین آورده اند بیشتر دقت کنیم:

قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَصَدَى أَبُو الْحَسَنِ (عليه السلام) وَجَلَسَ أَبُو مُحَمَّدٍ (عليه السلام) مَكَانَ وَالِدِهِ وَكُنْتُ أُرْوَرُهُ كَمَا كُنْتُ أُرْوَرُ وَالِدَهُ، فَجَاءَتْنِي نَرْجِسُ يَوْمًا تَخَلَعُ حُنِّي، فَقَالَتْ: يَا مَوْلَاتِي نَاوِلِينِي حُفْكَ! فَقُلْتُ: بَلْ أَنْتِ سَيِّدَتِي وَمَوْلَاتِي، وَاللَّهِ لَا أَدْفَعُ إِلَيْكَ حُنِّي لِتَخْلَعِيهِ وَلَا لِتَخْدُمِينِي بَلْ أَنَا أَخْدُمُكَ عَلَى بَصْرِي، فَسَمِعَ أَبُو مُحَمَّدٍ (عليه السلام) ذَلِكَ فَقَالَ: جَزَاكَ اللَّهُ يَا عَمَّةَ خَيْرًا. (1)

ص: 9

حکیمه خاتون [دختر امام جواد میگوید: امام هادی (علیه السلام) از دنیا رفتند و امام عسکری (علیه السلام) در جای پدرشان نشستند و من امام عسکری را زیارت میکردم همانطور که پدرشان را قبلاً زیارت میکردم روزی نرجس آمد تا کفشم را از پایم درآورد به من: گفت ای بانوی من کفشت را بیاور تا درآورم. من گفتم بلکه تو سرور و بانوی من هستی به خدا قسم کفشم را به تو نمیدهم تا درآوری و اجازه نمیدهم به من خدمت کنی؛ بلکه من تو را روی چشم میگذارم و به تو خدمت میکنم این سخن مرا امام عسکری (علیه السلام) را شنید و فرمود: خداوند پاداش خیرت دهد ای عمه

حکیمه خاتون بانویی بسیار والا مقام و از مقربان خداوند است؛ دختر، امام خواهر امام و عمه امام است ایشان راوی جریان زیبای میلاد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. به راستی حضرت نرجس علیها السلام چه جایگاهی دارد که حکیمه خاتون با افتخار می خواهد به او خدمت کند و نرجس را سیده خویش میخواند و حجت خدا نیز دعایش میکنند؟ سبحان الله!

با آنکه در کتابهای فراوانی جریان ازدواج حضرت نرجس خاتون ذکر شده است به توصیه دوستان جریان این ازدواج فرخنده را برای کامل بودن نسبی این مجموعه و نیز برای تبرک و تیمم ذکر میکنیم.

قیصر روم تصمیم گرفت تا نوه اش ملیکا را به عقد ازدواج برادرزاده خود درآورد. مجلس مفصلی آراستند و مقامات کشوری و لشکری مجلس حاضر شده میخواستند بخشهایی از انجیل را بخوانند و عقد را جاری کنند که ناگهان تختی که داماد روی آن نشسته بود لرزید و داماد نگون بخت از بالای تخت به زیر افتاد. کشیشان مسیحی به قیصر روم گفتند این اتفاق نشان دهنده آن است که این ازدواج میمنت ندارد و جلسه را بر هم زدند

پس از مدتی قیصر روم تصمیم گرفت ملیکا را به عقد برادرزاده دیگرش درآورد. مجلسی آراستند مقامات آمدند و دوباره با لرزیدن تخت و افتادن، داماد مجلس برهم خورد. ملیکا متعجب و بیمار گردید.

نکته قابل توجه این است که از مادر والامقام حجت بن الحسن علیهما السلام همان طور که آوردیم در روایات مستفیضه به «سیدة الإمام» تعبیر شده یعنی مقام سروری و سیادت، حتی شاید بر کنیزانی که شرافت مادری امام معصوم را پیدا کردند این خانم با این جلالت و قدر هرگز نمیتواند جزو جاحدین و منکرین عمدی دین حق یعنی اسلام و مذهب حق، یعنی شیعه امامیه باشد.

ممکن است این پرسش در ذهن خوانندگان محترم ایجاد شود: بانویی که سالها بر دین مسیحیت بوده چگونه چنین افتخار و شرافتی پیدا میکند که مادر آخرین خلیفه خداوند گردد؟

پاسخ آن است که در کلمات نورانی اهل بیت علیهم السلام گروهی به عنوان

مستضعف فکری معرفی شده. اند در این مجال قصد بررسی روایات را نداریم؛ اما به همین مقدار اکتفا میکنیم که در یک کلام، مستضعف یعنی کسی که حجت بر او تمام نشده و هیچ تعمدی بر نپذیرفتن حق ندارد؛ همچنین احتمال گمراهی که نتیجه آن لزوم تحقیق و بررسی است در خود نمیدهد. اضافه بر اینکه از تمام اعتقادات این بانوی والا مقام پیش از تشرّف به اسلام اطلاع نداریم

هر چه که بوده است با اطمینان میتوان گفت آن حضرت پیش از ازدواج یقیناً جزو جاحدان و منکران حق و حقیقت نبوده اند و استضعاف ایشان با عرضه دین مبین اسلام برطرف گردیده است. جریان ازدواج به هم خورد تا اینکه شبی از شب ها ملیکا علیها السلام - نوه قیصر روم - رؤیای عجیبی مشاهده کرد.

نرجس خاتون در خواب دید که حضرت مسیح و حضرت شمعون و گروهی از حواریین در قصر قیصر جمع شده اند و منبری از نور در آنجا نصب شده که بلندای آن منبر سر به آسمان میکشد. (1)

در آن هنگام پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و جانشین ایشان و عده ای از فرزندان ایشان وارد شدند. حضرت مسیح (علیه السلام) جلو آمدند و رسول خدا را در آغوش گرفتند. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: یا روح الله! من آمده ام از وصی تو شمعون دخترش ملیکه را برای این فرزندم خواستگاری کنم

ص: 12

1- مادر حضرت نرجس خاتون از نسل جناب شمعون وصی حضرت عیسی علی نبینا وآله وعلیه السلام است.

و با دست خویش به امام عسکری علیه السلام اشاره کردند. مسیح به شمعون نگریست و گفت: شرافتی نصیبت شده است! خاندان خویش را به خاندان محمد متصل کن شمعون نیز پذیرفت.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از منبر بالا رفتند خطبه‌های خواندند و نرجس خاتون علیها السلام را به عقد امام عسکری علیه السلام در آوردند. نرجس خاتون علیها السلام از ترس کشته شدن، رؤیای خویش را برای پدر و پدر بزرگش بازگو نکرد. او پس از مشاهده رؤیا از خوردن غذا و نوشیدن امتناع مینمود بیمار شد و طبعی در روم نماند که ایشان را معاینه نکند. روزی قیصر روم به ملیکا گفت: ای روشنی چشمم آیا خواسته ای داری که انجام دادن آن برایت دلپذیر باشد؟ نرجس خاتون علیها السلام فرمود: من که از خوب شدنم نا امیدم اما اگر دستور دهی زندان بانها اسیران مسلمان را آزار ندهند و غل و زنجیر از آنان بکشایند، شاید مسیح و مادرش مرا عافیت بخشند. وقتی قیصر روم چنین کرد حضرت نرجس خاتون علیها السلام اظهار داشتند که کمی بهتر شده اند و اندکی غذا میل کردند. قیصر روم شادمان شد و بیش از پیش اسیران را اکرام نمود و عزیز داشت.

پس از گذشت چهارده، شب نرجس خاتون حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را در خواب زیارت نمودند در حالی که حضرت مریم علیها السلام همراهشان بودند. مریم گفت: این سرور زنان است؛ مادر شوهرت ابو محمد. نرجس خاتون علیها السلام گریست و از این که امام عسکری علیه السلام زیارتشان نمی آیند شکایت کرد فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: تا زمانی که بر

دین مسیحیان هستی پسرم به زیارتت نمی آید و خواهرم مریم از دین تو بیزار است.

نکته جالب این جاست که صدیقه طاهره علیها السلام می فرمایند: مریم از دین تو بیزار است و نفرموده اند از شخص تو با این که در روایات ما شخصی که به مذهب کفر است آبرو و اعتبار ندارد. معلوم می شود نرجس خاتون در انتخاب دین مسیحیت مقصر نبود.

صدیقه طاهره علیها السلام فرمودند: اگر رضایت خداوند و مسیح و مریم را می خواهی باید مسلمان شوی و بگویی: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ أُنْبِيَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ .

پس از آن که نرجس خاتون مسلمان شدند، صدیقه طاهره علیها السلام ایشان را در آغوش گرفتند و فرمودند منتظر زیارت ابو محمد باش.

شبی از شبها امام عسکری علیه السلام به خواب نرجس خاتون علیها السلام آمدند و از ایشان خواستند خود را در پوشش و لباس خادمان لشکر قیصر روم قرار دهند.

با انجام این کار و در پی شکست رومیان از مسلمانان، ایشان نیز به عنوان کنیز راهی بلاد اسلام شدند

از آن طرف امام هادی علیه السلام بشر بن سلیمان را احضار فرمودند و دستور دادند به کنار دجله رود و کنیزی را با نشانه های خاصی خریداری کند. نام زیبایی نیز به خط رومی نوشتند و نامه را به بشر دادند و دو بیست و بیست دینار نیز نزد او سپردند

بشر به کنار دجله آمد و از روی نشانها آن حضرت را شناخت و نامه امام هادی علیه السلام را تقدیم کرد

هنگامی که نرجس خاتون علیها السلام نامه را دید به شدت گریست و به صاحبش گفت مرا به همین شخص بفروش. هنگامی که بشر دینارها را پرداخت و نرجس خاتون علیها السلام را تحویل گرفت مشاهده کرد که آن حضرت نامه را بر چشم خود میگذارد و می بوسد.

بشر تعجب کرد و از ایشان پرسید نامه ای را می بوسی که نویسنده آن را نمی شناسی؟! نرجس خاتون خود را معرفی کرد و جریان ازدواج خویش را بیان فرمود

در زیارت نامه آن حضرت میخوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى وَ ابْنَةَ حَوَارِي عِيسَى؛ درود بر تو ای شبیه مادر موسی و دختر حواریون عیسی (1)

شباهت به مادر حضرت موسی علیه السلام از آن جهت است که فرعون خواب بدی دید و تعبیرکنندگان دربار به او گفتند: فرزند پسری در بنی اسرائیل به دنیا خواهد آمد که پس از به حکومت رسیدن تاج و تخت تو را از بین میبرد

فرعون دستور داد تا داد تا هر پسری که در بنی اسرائیل به دنیا میآید بکشند و جاسوسانی در بنی اسرائیل گماشتند خداوند برای حفظ جان

ص: 15

حضرت موسی (علیه السلام) با قدرت مطلق خویش کاری کرد که کسی ندانست و نفهمید مادر موسی فرزندی در شکم دارد. حکومت بنی العباس نیز که میدانست در خانه حضرت عسکری (علیه السلام) فرزندی به دنیا می آید که زمانی ریشه ظلم را در جهان می خشکاند، جاسوسانی گماشته بود تا اگر قرار بود فرزندی بیاید او را بکشند خداوند برای حفظ مقدس امام زمان (علیه السلام) همان کاری را انجام داد که با مادر موسی انجام داده بود و کسی ندانست نرجس خاتون علیها السلام فرزندی در شکم دارد.

از دیگر ویژگیهای حضرت نرجس خاتون علیها السلام محبت شدید آن حضرت به امام عسکری (علیه السلام) است به گونه ای که از امام خواستند دعا کند تا او پیش از آن حضرت از دنیا برود. امام عسکری (علیه السلام) نیز درخواستش را، پذیرفته برایش دعا کردند

لازم به ذکر است یکی از اقدامات بسیار عالی و ممتاز جهت توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واسطه قرار دادن مادر والامقامشان حضرت نرجس خاتون علیها السلام است

به عنوان نمونه زمانی که در سامرا بیماری و با آمده بود مرحوم آیت الله سید محمد فشارکی حکم کردند که شیعیان سامرا به نیابت از حضرت نرجس خاتون علیها السلام زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام بخوانند.

در اثر این توسل و این زیارت کار به جایی رسید که دیگر کسی از

شیعیان با بیماری وبا از دنیا نمی رفت و تمام مردگان و هلاک شدگان این بیماری از اهل سنت بودند و حتی نقل شده که اهل سنت از شرمساری و خجالت جنازه های خود را شبانه دفن میکردند و از آنجایی که نمیدانستند شیعیان دقیقاً چه کاری انجام میدهند که سبب نجاتشان شده است می آمدند و رو به روی ضریح مطهر امام هادی و امام عسکری علیهما السلام ایستادند و میگفتند

یا علی الهادی نُسَلِّمُ عَلَيْكَ بِمَا يُسَلِّمُ عَلَيْكَ الشَّيْعَةُ، ای امام هادی همانگونه که شیعیان به تو سلام میدهند، ما نیز به تو عرض سلام میکنیم

زحمت ارزشمند مداح اهل بیت (صلی الله علیه وآله وسلم) جناب آقای خرم فر که برای اولین بار اشعار مربوط به ملیکه دنیا و آخرت - مادر بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف - را در مجموعه ای وزین گردآوری نموده اند مصداقی بارز برای همین توسل و واسطه قرار دادن این بانوی عالی مقام در درگاه باهرالنور فرزندش حجت ابن الحسن -عجل الله تعالی فرجه الشریف است به برادران و خواهران بزرگوار خصوصاً خوانندگان محترم این کتاب پیشنهاد میکنیم توسل و توجه خود را به این ملیکه دنیا و آخرت تعبیری که مرحوم حاج شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان با حسن سلیقه درباره حضرت نرجس علیها السلام به کار برده اند بیشتر کنند

ص: 17

می‌توانیم برای نرجس خاتون نذر کنیم و با توجه به اینکه تاریخ ولادت یا وفات آن حضرت در کتب تاریخی و روایی نقل نشده است میتوان در هر زمانی مجلسی به نام توسل به حضرت نرجس خاتون علیها السلام بر پا کرد از اشعار زیبایی که در وصف آن بانوی فضیلت و انسانیت سروده شده بهره برد و با ذکر مصیبتی مجلس را خاتمه داد همچنین چه زیباست که ثواب برخی از اعمال صالح خویش را به ایشان هدیه کنیم.

شایسته است در محافل و مجالسی که در ایام نیمه شعبان برگزار می‌شود خطبا و شعرا و مادحان در خطابه و شعر و سرود خویش مردم را به جایگاه والای مادر امام عصر - ارواحنا فداه - توجه دهند.

یقیناً نتیجه هر یک از این کارها خوشحالی و رضایت ولی نعمت‌مان مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تقرب به آن امام مهربان و غریب است.

بسیاری از شیفتگان و دلدادگان آستان قدس مهدوی به حق گله دارند از اینکه یاد و نام ولی عصر - ارواحنا فداه را با همه ازدیادی که در سالهای اخیر یافته هنوز در محافل و دل‌های ما و در خلوت و جلوت‌مان آنگونه که باید و شاید نیست

یکی از راه‌های پراکندن عطر گل نرگس ترویج نام و یاد مادری است که چنان مقامی پیدا میکنند که حکیمه خاتون علیها السلام با آن عظمت و نورانیت خدمت به او را افتخار خویش میدانند

مادری که به تعبیر زیارت نامه آن حضرت «الْحَامِلَةَ لِأَشْرَفِ الْأَنْبَاءِ» بود (1) و دامان پاکش جایگاه آخرین خلیفه خدا و منتقم آل محمد گردید.

گردآوری کتاب هایی از این دست و برپایی محافلی به نام حضرت نرجس خاتون علیها السلام و تشویق شعرا و گویندگان به ترویج نام آن حضرت، راهی است برای فزونی یافتن یاد و نام امام عصر ارواحنا فداه و عطر پراکنی در جامعه شیعی

استادی داشتم که یک سفر حج به نیابت از حضرت نرجس خاتون علیها السلام مشرف شده بود عزیزان میتوانند سفرهای زیارتی خویش را به اعتبار مقدسه و نیز آستان مقدس رضوی به نیابت از آن بانوی تقوا و کرامت قرار دهند.

از دیگر فرصتها برای ترویج یاد مادر حضرت بقیة الله -عجل الله تعالی فرجه الشریف آشنا کردن زائران در سفر زیارتی شهر مقدس سامرا با گوشه ای از عظمت آن حضرت است؛ چرا که حضرت نرجس خاتون علیها السلام یا در همان ضریحی مدفونند که امام هادی و امام عسکری علیهما السلام آرمیده اند....

سید رضا هاشمی گلپایگانی 24 شعبان المعظم 1439

ص: 19

1- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت نرجس علیها السلام

* نقل از کتاب این جا سامراء است استاد بحرینی (1)

با دفن حضرت هادی علیه السلام در بیت الشرف و خانه خویش، آن قسمت خانه عنوان مقبره خانوادگی پیدا کرد و پیوسته جمعی از خاندان حضرت در آن خانه دفن شدند چونان که در طول تاریخ با حفظ حرمت و حریم جمعی از دوستان و شیعیانشان به افتخار خاک سپاری در آن وادی طور نائل آمدند. شاید نخستین آنان، بانوی آن بیت مشرف مادر مکرمه آخرین حجّت و همسر محترمه یازدهمین حجّت و عروس معزّزه دهمین، حجّت، مکرمه مجلله معزّزه، نرجس خاتون سلام الله علیها و علی ولدها و بعلها و آباء بعلها الطاهرین می باشد. در این ایوان برآئیم به منسوبین خاندان رسالت علیهم السلام که توفیق دفن در جوار دو حجّت را پیدا کردند، اشاره ای داشته باشیم.

نرجس خاتون علیها السلام

آنچه در ارتباط با آن صدف در دردانه وجود بوده به مناسبتهای مختلف و از ابعاد متفاوت در آثار پیشین آورده ایم عزیزان میتوانند

ص: 20

برای تکمیل آگاهی به آنها مراجعه داشته باشند، [\(1\)](#) آنچه در اینجا می آوریم مرتبط با دو جهت دیگر است؛

یکی اقامت چند ساله آن خاتون مکرّمه در بیت الشرف عسکریین علیهما السلام است که با کتاب سامراء ارتباط دارد؛

عالم دیگری پایان زندگی و پایانه عمر آن مخدّره معزّه و دفنش در آن خانه.

اما جهت اول: جناب نرجس خاتون در حدود سیزده سالگی سال 253 و در آخرین سال حیات حضرت هادی علیه السلام به بوستان آن حضرت وارد شد و در گلشن، ولایت تحت تعلیم و تربیت جناب حکیمه خاتون قرار گرفت و پس از مدتی که جناب نرجس خاتون در خانه حکیمه خاتون بود با استیذان از حضرت هادی علیه السلام به حضور حضرت عسکری علیه السلام شرفیاب شد و پس از اینکه چند روزی از این قران سعد گذشت و زهره و مشتری به تقابل نشستند و زفاف شاه و شاهزاده و امام و ملیکه در خانه جناب حکمیه صورت پذیرفت خورشید برج امامت به مغرب افول نموده و حضرت هادی علیه السلام از دنیا رفتند [\(2\)](#)

بنابراین چند روزی قبل از شهادت پدر بزرگوار، شاهد مراسم

ص: 21

1- چونان حدیث قبل از میلاد، حدیث شب میلاد، حدیث بعد از میلاد و به خصوص حدیث پنج سال کودکی صفحات 110 - 140.

2- کمال الدین، 427، باب 42 حدیث 2.

ازدواج فرزند و آلاتبارش با همسرش جناب ملیکه بود و این آرزوی پدر محقق گشت؛ هر چند آرزوی دگرش که دیدار نوه عزیزش بود صورت نپذیرفت.

سال های زندگی نرجس خاتون در سامراء که شش سال به طول انجامید از بهترین سالهای زندگی اش بود سالهایی که مطلعش قرین نوید و بشارتی بود که در عالم خلقت به عنوان خاص به هیچ بانویی داده نشده و آن این که

وقتی بشر بن سلیمان جناب نرجس خاتون را به محضر حضرت هادی علیه السلام آورد حضرت به او فرمودند میخواهم تو را گرامی دارم کدام یک نزد تو محبوب تر است، ده هزار درهم یا نوید و بشارتی که در آن برای تو شرافت ابدی باشد؟ عرض کرد بشارت و نوید میخواهم. فرمودند: نوید میدهم تو را به فرزندی که مالک شرق و غرب میشود و زمین را از عدل و داد پر میسازد آن سان که از جور و ستم مملو گشته است (1).

این نوید و بشارت و این پا انداز و عنایت از خصائص این بانوی معرّزه است که در عالم خلقت هیچ کس نمیتواند چنین ادعایی داشته باشد و چونان مباحات و فخریه ای، بیاورد، همان چه شمس اصطهباناتان به رشته نظم کشیده است:

ص: 22

به حضرت عسکری قرین و همسر منم *** به قائم منتظر دایه و مادر منم

عروس زهرا منم، مه منم اختر منم *** برج امامت منم ز فرط نیک اختری (1)

گفتیم: این شش سال برای جناب ملیکه بهترین سالهای عمرش بود که حتی با آن سالها که به عنوان شاهزاده قیصر، در روم با آن همه حشمت و جلال ظاهری زندگی میکرد هیچ قابل نسبت نبوده و در میان این شش سال سال 255 و در میان آن سال ماه شعبان و در میان آن، ماه شب نیمه‌هاش بهترین و برترین و حساسترین سال و ماه و روز و شب زندگی آن بانوی معززه بوده است چه فرخنده سالی چه باشکوه ماهی چه با شور و شوق روز و شبی چه مبارک سحر و زیبا سپیده ای و سرانجام چه مطلع الفجر چه پگاه پاک! چه نازنین پری و چه مه طلعتی

آری حسّاس ترین لحظه زندگی نرجس خاتون همان لحظه ای بود که جناب حکیمه گفت گویا پرده ای میان من و او فاصله شد و چون فاصله بر طرف شد در نرجس نوری مشاهده کردم که دیده مرا خیره کرد و آن وجود مقدس را دیدم که رو به قبله به سجده افتاده و انگشتان آسمان برافراشته است و مادر میشوند که پسرش، همان نویدی را که جد امجدش هنگام ورود او به این خانه داد، میگوید:

ص: 23

اللهم انجزلى ما وعدتني واتمى لي أمري وثبت وطأتى وأملاً الأَرْض بي عدلاً وقسطاً . (1)

آری این شب و روز بهترین روز و شب زندگی این مادر بهترین و بهترین مادر است زیرا که

آوای همه ، مرغان، شور دگری دارد *** جبریل ز نزد حق نیکو خبری دارد

آغوش حسن امشب والاگهری دارد *** در سامره گل ریزید، نرجس پسری دارد

مجرم شده بخشوده در رحمت غفاری (2)

آخرین عصر جمعه ماه شعبان

نمیدانم چه شد و چه قران سعد و فال نیکی روی داد که نوشتن این سطور و تصویر این خطوط در غروب آخرین جمعه ماه شعبان صورت پذیرفت؛ همان لحظاتی که مادر مکرمه شان حضرت ام الائمه علیها السلام می فرمود:

از پدر بزرگوارم شنیدم که میفرمود در جمعه ساعتی است که در آن ساعت هر مسلمانی موفق شود مسئلت خیری از حق تعالی داشته باشد خداوند عطا فرماید

ص: 24

1- کمال الدین 428 باب 42 حدیث 2 .

2- دیوان شمس ، اصطهباناتی منظومه شمس 276

به بی بی عرض کردند آن چه ساعتی است؟ فرمود وقتی نیمی از چشمه خورشید به غروب بنشیند؛

لذا سیره و روش حضرتش این بود که به خدمتکارش میفرمود: بر بام رود و وقتی دید نیمی از قرص خورشید افول کرد به عرض بی بی برساند تا در مقام دعا برآید. (1)

، آری، در این لحظه که نوشتم مجرم شده بخشوده در رحمت غفاری با چشم گریان این دعای تعلیمی حضرت رضا علیه السلام را به جناب ابو الصلت هروی برای روزهای پایانی ماه شعبان خواندم اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاعْفِرْ لَنَا فِيمَا

بقي منه. (2)

سپس در این لحظه اجابت دعایی که حضرت رضا علیه السلام در جمعه ها امر به خواندنش نمودند، خواندم:

اللَّهُمَّ اصْدَلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا اصْدَلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حَقَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَأَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْدَلِكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدَلُهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيكَ سُلْطَانًا وَ الذَّنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (3)

ص: 25

1- دلائل الإمامة 5.

2- مفاتيح الجنان آخر اعمال ماه شعبان زاد المعاد 83

3- جمال الأسبوع 413

مرحوم شمس اصطهباناتی در بند دیگر این مسمط نغزش، بهجت خاطر و سرور باطن و خنده لب نرجس خاتون را ترسیم نموده است.

جام از می وحدت ده کوه و دره خندان است *** هم اختر و هم محور چرخ و کره خندان است

فردوس و قصور و حور خود یکسره خندان است *** نرگس چولب نرجس در سامره خندان است

از ناله و از زاری شد نوبت بیزاری *** ای باد صبا یکدم بگذر ز سر کویش

و آن که به وزیدن آی بر سنبل گیسویش *** یک رشته به دست آور از سلسله مویش

یا آن که به ما، آور یک نکهتی از بویش *** تا ناز کنی زین پس بر نافه تاتاری

آری، چگونه بهترین شب و روز و صبح و شام نرجس خاتون نباشد در حالی که چنین پسری آورده است

آمد پسری آن کو، هر دیده به راهش بود *** آن کو همه آفاق مشتاق لقایش بود

آن کو همه را آمال آن عارض ماهش بود *** آن کو همه را مقصد آن خال سیاهش بود

آمد که کند دین را با قدرت حق یاری

چگونه حساس ترین ایام عمرش نباشد، در حالی که چنین نازنینی را در برگرفته است

هم پادشه، گیتی، هم منتخب دوران *** هم نسل رسول الله هم نجل شه مردان

هم خیل رسل را ماه هم جان و هم او جانان *** هم فاطمه را چون چشم هم نرجس را چون جان

هم معدلتش آیین هم رسم نکوکاری

یک بند دیگر هم از این مسقط بیاوریم و این بار را ببندیم

امروز در این غوغا مولای خلائق اوست *** حلال مشاگل اوست کشف حقایق اوست

بر نیروی هر ملت هم غالب و فائق اوست *** بینای مصالح، اوست دانای دقایق اوست

بر دولت او ختم است آیین جهان داری (1)

سخت ترین روز زندگی

اما سخت ترین روز زندگی آن، ملیکه شاید روزی بود که ناگزیر شد همین نوزاد، نازنینش همین آرام جانش همین همه وجود و هستی اش، را میان چاه بیندازد. روزی آن خاتون در صحن خانه نشسته بود و نور دیده‌هاش مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دامن نهاده

ص: 27

و به آغوش و سینه چسبانده بود مادر با پسر نرد محبت میباخت و سرود مهر می خواند ناگهان مادر باخبر شد زنان قابله که مأموران دستگاه حکومت بودند وارد خانه شدند مادر سراسیمه و مضطرب شد که نور دیده اش را چه کند؟ فرصتی برای استتارش ندارم و مهلتی برای پنهان کردنش نمیجویم چه کنم؟ ای وای اگر الآن این زنان سر برسند با نور دیده من چه میکنند؟ او را از آغوش من می ربایند؟ سر میبرند؟ به آغوش خاکش میسپارند؟ چه کنم؟! در چنین شرایطی که چه بسا ما توان تصورش را هم نداشته باشیم و نتوانیم حال آن گرامی مادر را در آن حساس ترین لحظه در خیال هم به تصویر بکشیم ناگهان هاتقی ندا در داد:

أَنْ أَلْقَى حُجَّةَ اللَّهِ الْقَهَّارِ فِي الْبُئْرِ الَّتِي فِي صَحْنِ الدَّارِ.

حجت خدای قهار را در چاه آبی که میان صحن خانه است بیفکن .

مادر بدون درنگ آن بئر معطله را در چاه و بئر این «قصر مشید افکند (1)

زنان قابله صدای طفل را شنیدند و به خانه در آمدند همه جا را تفحص و جستجو کردند ولی اثری از کودک، نیافتند واله و حیران

ص: 28

1- اشاره با آیه : (و بئر معطله و قصر مشید، حج 45 دارد که «بئر معطله» در روایت به امام غائب تبیین شده است تفسیر قمی : 2: 85 و

قصر مشید در روایات دیگری به امام ناطق تفسیر شده است ، تأویل الآیات . 1: 344

متحیر و سرگردان بیرون رفتند خانه که از بیگانه خالی شد مادر کنار چاه آمد تا بنگرد بر سر نور چشمش چه آمده است

ای وای فرزندم از دستم رفت عزیزم میان چاه آب، جان داد، اگر به دست دشمن نیفتاد و دشمن جانم را نگرفت خودم به دست خودم جانم را از دست دادم، یعنی دیگر من پسر ندارم! نرجس خاتون دیگر مهدی علیه السلام ندارد ای وای چه خاکی به سرم بریزم؟! آخر او، پسر من نیست او پدر هستی است و هستی چشم به راه اوست، جواب پدرش حضرت ابی محمد را چه بدهم؟! یعنی ابومحمد دیگر ابو محمد نیست؟! خدا میداند نرجس خاتون با چه سوز و گدازی و با چه ناله و نوایی و با چه راز و نیازی خود را کنار چاه رسانده و با چه یأس و ناامیدی دیده بر آن بئر دوخته و چشم بر آن چاه گشوده، است یارب مکن امید کسی را تو ناامید همین که نرجس خاتون کنار چاه رسید ناگهان دید آب چاه بالا آمد تا به سطح زمین رسید و حجت خدا مهدی آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین صحیح و سالم چون ماهی تابان و ستاره ای درخشان در حالی که حتی قباط و قنذاقه اش هم تر نشده بود روی آب است ثمره عمر و حاصل حیاتش را برداشت و حمد و سپاس حق تعالی به جا آورد. (1)

ص: 29

1- الزام الناصب 1: 355، منتخب الأثر یک جلدی 287، شش جلدی 4: 2.

خوب است وقتی سامراء مشرف میشویم و در در آن صحن و سرای سراسر، سر و سر، سر و سری پیدا میکنیم لحظاتی گوشه ای بنشینیم چه با آن گوشه همان محدوده آن بنر و چاه باشد، اشک بریزیم، گریه کنیم از این خاطره یاد کنیم و جملات دعای ام داود را به زبان حال و قال عرض کنیم :

یا مَنْ وَهَبَ لآدَمَ شَدِيثًا وَ لِإِبْرَاهِيمَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ... یا راد موسی علی أمه). (1) «ای خدایی که شیث را به آدم بخشیدی و اسماعیل و اسحاق را به ابراهیم مرحمت فرمودی و موسی را به مادرش «برگرداندی و اضافه کنیم ای خدایی که پسر نرجس خاتون را در همین صحن و سرا از میان چاه آب صحیح و سالم به او باز رساندی، دیگر امام ما، صاحب ما، سید و سرور ما مولا و آقای ما صاحب این خانه و خانه دین را از چاه غیبت و بئر فرقت نجات مرحمت نما یوسف آل نبی در چاه غیبت تا به کی؟

بگذریم

در هر حال حدود شش سال آن سرو ناز و عروس حجله عزرا در این بیت و شبستان زندگی کرد که حدود چهار سالش مضاف بر اینکه عنوان همسری برای حضرت عسکری علیه السلام داشته عنوان مادری برای مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم نیز داشته

ص: 30

است و خطرات بسیاری از این مدت کوتاه زندگی در کنار این همسر و فرزند دارد که چه بسا بسیاری از آنها برای هیچ کس نقل نشده باشد و در سینه آن مادر خزانه الاسرار و صدر همسر آن صدر الاشراف به عنوان اسرار باقی مانده است.

پایان عمر

بهت دوم پایان زندگی آن مکرمه مجلله است که ارباب سیره و رجال تاریخ در آن اختلاف دارند بعضی وفات آن معززه را قبل از شهادت حضرت عسکری علیه السلام میدانند، ولی بیشترین فقدهاش را بعد از شهادت حضرت دانسته اند و در مجموع سالهای 259 یا 260 و یا 261 را سال وفات آن بانوی مکرمه دانسته اند، ولی هیچ کس فوت نرجس خاتون را بعد از سال 261 بیان نکرده است. بر این اساس شاید عمر آن مجلله در هنگام وفات حدود بیست سال کمی کمتر یا بیشتر بوده است.

آنان که وفات آن مخدّره را بعد از شهادت حضرت عسکری علیه السلام دانسته اند چه بسا تمسک شان به جریانی است که در کتاب قبل در ایوان بیست و پنجم در شهادت حضرت عسکری علیه السلام از الغیبة مرحوم شیخ آوردم که در ساعات پایانی زندگی آن مقدس، صقیل جاریه مادر خلف - امام عصر علیه السلام - ظرف جوشانده را خدمت حضرت میاورد و همچنین وقتی امام عسکری

علیه السلام غلامش عقید را برای طلب فرزندش به حجره ره دیگری می فرستد باز صقیل مادر امام عصر علیه السلام دست پسر را میگیرد و به محضر پدر بزرگوار میآورد (1) که در این جریانی که جناب ابوسهل نوبختی نقل نموده دو قسمتش گواه حیات و حضور آن بانوی محترمه در هنگام شهادت حضرت عسکری علیه السلام است.

مقابلاً کسانی که وفات آن معظمه را قبل از شهادت حضرت عسکری علیه السلام دانسته اند چه بسا دلیلشان جریانی است که مرحوم صدوق اعلی الله مقامه در اثر نفیس کمال الدین به سند معتبر از جناب ابو علی خیزرانی نقل نموده که او گفت: کنیزی داشتم که به حضرت عسکری علیه السلام هدیه داده، بودم پس از شهادت حضرت که جعفر کذاب به خانه آن وجود مقدس حمله برد آن کنیز گریخت و نزد من آمد و او برای من نقل کرد که در مراسم ولادت سید - امام عصر علیه السلام - حضور داشته و اسم مادر آن وجود مقدس صقیل بوده و حضرت عسکری علیه السلام آنچه پس از شهادتش بر عیال و بازماندگانش وارد میآید و اذیت و آزارها که از ناحیه خویشان و بیگانگان - جعفر و دستگاه خلافت به آنان می رسد برای او نقل نمودند آن بانو از حضرت خواست که دعا کنند و از خدای عزوجل بخواهند که وفات او را قبل از آن حضرت قرار دهد و آن بانو در زمان حیات حضرت عسکری علیه السلام از

ص: 32

دنیا رفت و بر قبر او لوح و نوشته ای است که بر آن مرقوم است هذا قبر أم محمد.

دنباله نقل هم هر چند مرتبط با بحثمان نیست ولی از بس شیرین و دلنشین است دریغ دارم عزیزان را از آن محروم دارم و ذائقه شان را و از این حلوی طنطنانی شیرین نسازم

،باری ابوعلی: گوید همین کنیز برای من نقل کرد که

إِنَّهُ لَمَّا وُلِدَ السَّيِّدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأَتْ لَهَا نُورًا ساطِعًا قَدْ ظَهَرَ مِنْهُ... .

همانا وقتی سید - که بر او سلام باد - به دنیا آمد برای او نوری ساطع و آشکار دیدم که به افق آسمان میرسید و پرندگان سفیدی را مشاهده نمودم که از آسمان فرود آمده و پیوسته پر و بال هاشان را به سر و صورت و سایر جسد و پیکر آن نوزاد مسح می نمودند.

آنچه دیده بودیم به عرض پدر بزرگوارش حضرت عسکری علیه السلام رساندیم حضرت خندیدند و فرمودند:

تلك ملائكة نزلت للتبرك بهذا المولود وهي أنصاره إذا خرج...

آنچه دیدید پرنده نبوده بلکه آنها فرشتگانی بودند که برای تبرک جویی از این مولود هبوط کرده و به زمین آمده‌اند آنان انصار و یاران او در هنگام خروج و قیام او هستند (1)

ص: 33

جمع میان مدارک زمان وفات نرجس خاتون

بیان شد که پیرامون وفات نرجس خاتون دو نظریه می باشد و مستند هر نظر هم ذکر گردید، حال سؤالی که باقی است این است که وجه جمع بین دو قول چیست؟ و از بین دو نظریه کدام را باید انتخاب کرد؟ با توجه به آموزه های اصولی در باب دو نقل متعارض باید نقل مرحوم صدوق در کمال الدین را بر نقل مرحوم شیخ در غیبت مقام داریم؛ چون نقل مرحوم صدوق نص یا اظهر بر مدعاست در حالی که نقل مرحوم شیخ ظهور در مطلب دارد و نص و اظهر بر ظاهر مقدم است.

توضیح مطلب

در نقل مرحوم صدوق با توجه به اینکه ناقل جریان از نسوان می باشد و شاهد جریان ولادت آن وجود مقدس بوده است پس کاملاً مادر امام زمان علیه السلام را میشناخته است و میگوید: «همان بانویی که سید و آقا - امام آقا - امام عصر علیه السلام - از او متولد شد حضرت عسکری علیه السلام مسئلت کرد که قبل از فقدان حضرت از دنیا برود و شاهد آنچه بعد از شهادت حضرت اتفاق می افتد نباشد»،

بنابراین نقل مرحوم صدوق نص یا اظهر در مدعا می باشد؛ و حال آنکه ناقل جریانی که در غیبت شیخ ذکر شده است نوبختی است که از مردان می باشد و شناختی نسبت به محترمان بیت نداشته است بلکه فقط میگوید: کنیزی به نام صقیل مادر خلف - امام عصر علیه السلام - ظرف جوشانده را آورد بنابراین این سخن نوبختی که این کنیز

صقیل، نام مادر امام عصر است حدس او میباشد اما اینکه آیا واقعاً این کنیز صقیل، نام مادر امام عصر علیه السلام است مثبتی ندارد. چه بسا بعد از فقدان مادر یا حتی در زمان حیات مادر مکر مهاش آن کنیز مربیه حضرت بوده همانگونه که در بیوتات محترمت مرسوم است بانویی غیر از مادر هم عهده دار بخشی از شئون فرزند میباشد

مضاف بر همه بر همه آنچه گفتیم شرائط سخت تقیه ای که حاکم بر آن عصر بوده به خصوص در ارتباط با امام عصر علیه السلام و هر چه متعلق به آن وجود مقدس است چه بسا اقتضای این ردگم کنی ها و شبیه و مدل سازیها را داشته است همان گونه که به موارد متعددی در این راستا هم در این کتاب و هم در آثار پیشین اشاراتی داشته ایم و چه بسا آنچه هم که مورخین از اسمای آن مکرمه نقل نموده اند که تا پنج اسم برای او بر شمرده اند - نرجس صقیل، ملیکه، ریحانه، سوسن (1) گویای همین جهت باشد؛ لذا میبینیم بعد از شهادت حضرت عسکری علیه السلام همین کنیز و جاریه ای که صقیل نامیده میشد به عنوان اینکه مادر پسر حضرت عسکری است و باردار است او را به خانه خلیفه و قاضی میبرند و یک سال ننگه می دارند تا مایوس می شوند، چه بسا این امر از جمله آن اموری باشد که برای گیج و گم کردن بیشتر آن گیجان و نادانان و آن گمراهان و منحرفان که برای دستیابی به آن جان جانان تا همه جا ایستاده اند صورت گرفته باشد.

ص: 35

آنچه نظریه تقدیم وفات نرجس خاتون بر شهادت حضرت عسکری علیه السلام را تقویت میکند دیگر نقلی است در کمال الدین مرحوم صدوق نقل میکند

«لَمْ يَحْضُرْ ذَلِكَ الْوَقْتُ إِلَّا صَقِيلَ الْجَارِيَةِ وَعَقِيدَ الْخَادِمِ وَمَنْ عَلِمَ اللَّهَ غَيْرَهُمَا؛ در هنگام شهادت حضرت عسکری علیه السلام در خدمت حضرت کسی نبود جز کنیزی صقیل نام و خادمی عقیده اسم و آن کسی که از خداوند میدانند - یعنی نور دیده اش امام عصر علیه السلام

سپس جریان مصطلکی و وضو را نقل میکند و شهادت حضرت را خاطر نشان می سازد، سپس آمدن مادر حضرت عسکری علیه السلام را از مدینه و مخاصمه با جعفر را متذکر می شود، سپس میگوید:

و ادَّعَتْ عِنْدَ ذَلِكَ صَقِيلَ أَنَّهَا حَامِلٌ فَحَمَلَتْ إِلَى دَارِ الْمُعْتَمِدِ؛ این جا بود که صقیل - همان جاریه ای که در لحظات آخره حضرت حضور داشت - ادعا کرد حامل است او را به خانه معتمد بردند و زنان را مراقب او قرار دادند تا آخر جریان» (1)

می بینیم در این نقل چند نوبت اسم صقیل جاریه، به میان آمده ولی هیچ اشاره ای به اینکه مادر امام عصر علیه السلام بوده نشده است مضاف بر اینکه همان جاریه صقیل، نام ادعای حمل نموده در حالی هیچ کس نگفته است مادر امام عصر علیه السلام پس از شهادت حضرت چنین ادعایی کرده است بر فرض در قید حیات بوده است.

ص: 36

لذا با توجه به قرائن و شواهدی که ذکر کردیم، نگارنده بر این باور است که آن مکرّمه معزّزه مجلّله قبل از حضرت عسکری علیه السلام و محتملاً در سال 259 هجری از دنیا رفت و در پشت سر حضرت هادی علیه السلام با فاصله ای دفن گردید که در این فاصله بعداً امام یازدهم علیه السلام مدفون گردیده اند که حفظ حریم و احترام از هر

جهت شده باشد.

در هر حال هر چه بوده و هست زبان و قلم از شرح حال و تبیین مقام و جایگاه این بانوی معظمه و این مخدّره مجلّله عاجز است و ماجرای او ماجرای است کاملاً استثنایی و منحصر به فرد و نماد و نمود و قدر و قدرت و قضا و مشیت قاهره حق، و بیانگر این حقیقت که چگونه دختری در فاصله بسیار بسیار کوتاهی این چنین فاصله بسیار بلند و طولانی را طی کند و از قصر قیصر روم به بیت الشرف حجت حق منتقل گردد و دختر یشوعا و حفید پادشاه روم عروس حضرت هادی و همسر حضرت عسکری و مادر مهدی آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین قرار گیرد.

هنيئاً لها ذاك الشرفُ ثمّ هنيئاً *** فهِيَ لَأَيْقَةُ هَذَا الشَّرْفِ المنيعة (1)

گوارای او باد این شرافت و منزلت و باز هم گوارایش، باد زیرا که او لایق و سزاوار این شرف منیع و جایگاه رفیع بود.

ص: 37

1- همین گونه که مینوشتم نوشتم و بیت شعری شد امید که مقبول آن مقبوله افتد.

آری دختر نوجوانی که پشت پا به همه چیز بزند لایق و شایسته است که خدایش او را مادر مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف قرارش دهد.

، بگذریم زیارت آن بانوی مکرمه را که مرحوم سید بن طاوس در مصباح الزائر نقل نموده و شهد و شیرین خاصی دارد و چون مرحوم محدث قمی در مفاتیح الجنان آورده است از نقلش میگذریم و قلم را به دست نظم می سپاریم.

نرجس خاتون در منظومه شعر

در ارتباط با نرجس خاتون و ملیکه بانو، والده الإمام والمودعة اسرار الملك العلام والحاملة لأشرف الأنام و شبيبة أم موسى وابنة حواری عیسی، شعر بسیار است و نظم فراوان، که چه بسا پس از حضرت ام الائمه النقباء صديقة كبرى فاطمه زهراء سلام الله عليها و عصمت صغرى زينب كبرى عليه السلام بیشترین سهم را در گردونه نظم محترمت بیت رسالت به خود اختصاص داده است.

هر چند بسیاری از شعرا در این زمینه داد سخن داده اند و درها به رشته نظم آورده اند و همه آنان در این راستا در حد توان خود حق مطلب را ادا کرده اند ولی در نگاه نگارنده گوی سبقت را در این میدان مرحوم شمس اصطهباناتی ربوده است و مسمط های نغز و لؤلؤهای شاهواری که در قالب نظم ریخته از لطافت و جامعیت خاصی برخوردار است؛

تنها یک مسقط او مشتمل بر چهل و پنج بند هشت مصرعی است که چند بندش را میآوریم و عزیزان را مضاف بر دیوان او به کتاب نفیس دو آفتاب و دو ماه که در زمینه اشعار مرتبط با حضرت هادی و حضرت عسکری علیهما السلام و نرجس بانو و حکیمه خاتون و همچنین سامراء میباشند و از جامعیت خاصی برخوردار است ارجاع میدهم

بین که اسرار حق چو خواهد افشا شود

میان روم و عرب جدال و غوغا شود

که بانویی ناشناس اسیر اعدا شود

گلی ز گلزار روم به دجله پیدا شود

به سامرا از فرنگ مهی هویدا شود

چو قرص خور صبحدم، برون ز دریا شود

ملیکه نرجس شود عروس زهرا شود

روزی زاید پسر در حرم عسکری (1)

گفت بدان ای بشیر کز همه بهتر منم

دخت یشوعا منم زاده قیصر منم

ملیکه ملک روم، عزیز کشور منم

ز نسل شمعون پاک، یگانه دختر منم

به حضرت عسکری، قرین و همسر منم

ص: 39

به قائم، منتظر، دایه و مادر منم

عروس زهرا، منم مه، منم اختر منم

برج امامت منم از فرط نیک اختری (1)

بعد زمانی که ماند نرجس در آن چمن

آن گل نورسته را امام سر و علن

اعطا فرمودیش به شاهزاده حسن

صورت احسن رسید به وصل وجه حسن

سامره شد باغ گل زنگس و نسترن

مبارک این ازدواج خجسته این انجمن

به وصل مه شد قرین مادر شاه زمن

در این عروسی بود چرخ به رامشگری (2)

مثنوی صد و نود و سه بیتی مرحوم مرتضی میر فخرایی - جندقی هم در ترسیم ماجرای نرجس خاتون لطافتی دارد که چند بیتش را می آوریم:

بر مقدم او امام هادی *** خوش باش نمود و کرد شادی

فرمود که زر به پات ریزم *** ای نوگل نرگس عزیزم

یا آن که دهم تو را بشارت *** بر اعظم مژده ها اشارت

گفت ملیکه با نیازی *** خواهم که به مژده ام نوازی

یک مژده بده که زنده گردم *** در هر دو جهان برنده گردم

ص: 40

1- همان 350

2- همان 357

گفتا حسنم رسد به پوری *** فرزند شریف نو ظهوری
او هست امام حی قائم *** فیضش به خلایق است دائم
پرسید که آن یگانه گوهر *** زاید صدف کدام مادر
گفت آن که رسول حق پرستش *** در دست حسن نهاد دستش
و سرانجام مثنویش را با این ابیات خاتمه میدهد:
ای حجت قائم الهی *** بر هست تو حق دهد گواهی
روشن همه چشم ما به رویت *** بسته دل ما به تار مویت
ای تاج تو آیه تبارک *** میلاد تو بر همه مبارک
عید است بده تو عیدی ما *** ای مایه روسفیدی ما (1)

با نقل چند بیتتی هم از قصیده عارفچه نظم نرجس خاتون را انتظام پایانی می بخشیم.

می گشایم در مدیح بانوی عالم، زبان *** گر چه شرح قدر او هرگز نیاید در زبان

هاتف غیبی سحرگهان مرا گفتا که خیز *** بر گشا اندر مدیح مادر مهدی زبان

خیز و برگو مدح بانوی جهان را از یقین *** تارهی از بند محنت، در دو عالم بی ی گمان

سود خواهی زبان در مدح آن بانو گشای *** کاندین سودا نخواهی برد در عالم زیان

ص: 41

هان بگو از داستان آن مه برج حیا *** گرچه گفتند از جلالش دیگران در باستان
حضرت نرجس نژاد پادشاه ملک روم *** آن که با تخت و نگین و تاج بودش اقتران
همسر سالار دین شاه دو عالم عسکری *** مام مهدی آن که باشد پادشاه انس و جان
مادرش از نسل شمعون الصفا بد آن که بود *** در جهان با رتبه و جاه و جلالت هم عنان
آن که بوده در ازل دارای پاکی و عفاف *** و آن که باشد تا ابد شرم و حیا را اصل و کان
بانوی عالم که بهر بردن فرمان او *** فخر دارند از دل و جان جمله حوران و جنان
بس بود در فخر این زن آن که از وی شد پدید *** در جهان نور خداوند قدیم لامکان
مهدی دین را کفالت کرد در بیت شرف *** این ستوده زن که بوده با شرافت توأمان
کیست این زن آن که شرم و عصمت و صبر و وقار *** جمله را دارد ز دخت احمد مرسل نشان
کیست این زن آن که چندی با هزاران شوق دل *** وارث شیر خدا را شیر میداده زجان

راه اوصاف مدیحش کی به پایان میرسد؟ *** چون که از شرح جلال او بود عاجز لسان

خواهی اردانی یکی از صد هزار اوصاف او *** رو کتاب فضل او را از سر ایمان بخوان

مرقد پاکش بود در شهر سر من رأی *** اندر آن نیکو حریمی کش ملک شد پاسبان

هست «عارفچه» ثنا خوانش همی از صدق دل *** تا روان در پیکرش از لطف حق باشد روان (1)

ص: 43

1- دو آفتاب و دو ماه 587 .

و آن حکایتی بود که مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ عبد الکریم حائری نقل کرد فرمود:

من و آقای آقا میرزا علی آقا آقازاده میرزای شیرازی و آقا سید محمد سنگلجی در سامرا شب در پشت بام در خدمت مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی درس میخواندیم در اثناء درس ما، استاد بزرگ ما مرحوم آقای آقاسید محمد فشارکی تشریف آورده در حالتی که آثار گرفتگی و انقباض در بشره اش پیدا بود معلوم شد که این انقلاب و انقباض وی در اثر بروز وباء بود در عراق که در آن اوقات خبرش منتشر شده بود فرمود: شما مرا مجتهد میدانید؟ عرض کردیم بلی. فرمود: عادل میدانید؟ بلی فرمود

من بتمامی شیعیان سامرا از زن و مرد حکم میکنم که هر یک از ایشان یک فقره زیارت عاشورا نیابتاً از نرجس خاتون والده ماجده حضرت حجة سلام الله علیه بخوانند و آن خاتون را نزد فرزند بزرگوارش شفیع قرار بدهند که آن حضرت پیش حضرت خداوند عالم شفاعت نماید تا خداوند شیعیان سامرا را از این بلا نجات دهد

فرمود: همینکه این حکم صادر گردید و چون مقام مقام ترس و بیم بود همه شیعه های مقیم سامرا اطاعت نموده زیارت عاشورا را بهمان قرار خواندند در نتیجه آن یک نفر شیعه در سامرا تلف نشد در حالتیکه هر روز ده پانزده نفر از غیر شیعه تلف میشد (1)

داستان زیارت عاشورا به امر آقای محمد فشارکی

* داستان زیارت عاشورا به امر آقای محمد فشارکی (2)

و این مطلب از این قضیه که من خودم از ایشان شنیدم در روز عید فطر در منزل مرحوم آقای حجت از مراجع تقلید شیعه) - ابوالزوجه و استاد حقیر در قسمتی از دروس فقه و اصول خارج - معلوم میشود. فرمودند: با مرحوم آقای میرزا علی آقای شیرازی درس خصوصی نزد آقای میرزا محمد تقی شیرازی میخواندیم و من به امر مرحوم میرزا به آن درس میرفتم و با آقا میرزا علی آقا مباحثه میکردیم محل درس در بالا خانه ای بود.

مرحوم استاد آقای سید محمد فشارکی که از پایین صدای دوست آقای میرزا محمد تقی را شنید آمد بالا و این جریان موقعی بود که صحبت بود که بیماری و با در سامراء آمده است ایشان در ضمن

ص: 45

1- الکلام یجر الکلام جلد اول صفحه 54

2- به نقل کتاب سر دلبران

مذاکره و صحبت یا بی مقدمه - یادم نیست - به مرحوم میرزا که رفیق و با هم بحث دو نفری داشتند رو کرد و گفت: آقای میرزا من را مجتهد میداننی؟ ایشان گفتند: آری شما را مجتهد میدانیم دوباره را عادل میداننی؟ گفتند بلی شما را عادل میدانیم دفعه سوم گفتند حکم مجتهد عادل را نافذ میداننی؟ مرحوم میرزا در جواب گفتند: اطلاق آن محل منع است.

ایشان گفتند: من حکم کردم بر تمام رجال و نساء از شیعه سامراء که زیارت عاشورا بخوانند و ثواب آن را هدیه نمایند به روح جناب نرجس خاتون علیها السلام والدة ماجدة حضرت حجت (سلام الله علیه و آن را شفیع نمایند نزد فرزندش حضرت حجت که ایشان شفاعت نمایند عند الله و من ضامن می‌شوم که هر کس این عمل را انجام دهد مبتلی به بیماری و با نشود

این حکم منتشر شد و همه عمل کردند و هیچ کس مبتلا به بیماری و با از شیعه نشد و علی الظاهر کسی در آن اوان، نمرد، جزیک پاره دوز شیعی که معلوم نشد آن زیارت را خوانده یا نه و آیا به مرض و با مرده یا نه و به قدری مطلب روشن بود که سنیان از خجالت مردگان خود را شب دفن میکردند و می آمدند و خدمت حضرت هادی و حضرت عسگری (سلام الله علیهما) میگفتند:

انا نسلّم عليك مثل ما یسلّم عليك الشيعة

با توجه به این داستان عجیب شاعر ارجمند جناب آقای روح الله فروتن نسب در ایام شیوع بیماری کرونا شعر ذیل را در مقام توسل به حضرت نرجس خاتون و تقاضای دفع این بلا از آن بانوی معظمه سرودند که ذکر آن خالی از لطف نیست:

با عرض سلام و ادب و عرض ارادت *** بر محضر پر فیض تو ای بحر سعادت

ای نوکری خانه تو عین سیادت *** با مهر تو هموار شود راه عبادت

ای عابدهی عارفه یا حضرت نرجس *** ای راضیه مرضیه ای بنده معبود

ای آن که در انجیل، خدا مدح تو فرمود *** تا این که شوی والده مهدی موعود

از روز ازل شامل تو لطف خدا بود *** محبوبه درگاه خدا حضرت نرجس

از مهر تو بر سینه خود گل زده ام من *** در مدح تو هم نغمه چوبلیبل زده ام من

از خانه دل تا حرمت پل زده ام من *** بر دامن تو دست توسل زده ام من

خالیست بین دست مرا حضرت نرجس

ص: 47

ای سرور والا نسیم مادر مهدی *** ای نور درخشان شبم مادر مهدی

نامت همه دم ذکر لبم مادر مهدی *** من از تو مدد میطلبم مادر مهدی

آمد به سرای تو گدا حضرت نرجس

درد دل غمدیده ما را تو دوا کن *** ای مادر مهدی نظری جانب ما کن

این جمع پریشان شده را باز دعا کن *** با گوشه چشمی تو ز ما دفع بلا کن

از کار همه عقده گشا حضرت نرجس

اوضاع به هم ریخته ما شده ناجور *** بر کار محبان تو خورده گره کور

یا سیدتی این چه بلائیست که با زور *** با خود ببرد پیکر ما را به دل گور

ما را تو ببین غرق عزا حضرت نرجس

ما حوصله طعنه اغیار نداریم *** با این همه غم طاقت بسیار نداریم

در موج بلا غیر شما یار نداریم *** جز راه توسل به تو معیار نداریم

مائیم و عنایات شما حضرت نرجس

ص: 48

گنجینه اسرار خدا رحم به ما کن *** ای گوهر دریای ولا رحم به ما کن

مائیم گرفتار بلا رحم به ما کن *** جان پسرت رحم به ما رحم به ماکن

محتاج دعائیم و عطا حضرت نرجس

پیدا شده آثار غم از روی محبان *** ای روی شفا بخش تو داروی محبان

از بهر عیادت تو بیا سوی محبان *** تا دور شود پای غم از کوی محبان

کن حاجت ما را تو روا حضرت نرجس

اینان که به جز مهر تو در دل نپذیرند *** چندیست که در پنجه این غصه اسیرند

بانو، مددی جا به دل خاک نگیرند *** حیف است محبان تو اینگونه بمیرند

این شکوه برم سوی کجا حضرت نرجس

اینگونه چرا یار شما زار بمیرد؟ *** هرگز نپسند این که چنین خار بمیرد

باید که محب تو علی وار بمیرد *** اندر حرم حیدر کرار بمیرد

در گوشه ایوان طلا حضرت نرجس

بانو قسمت میدهم امروز به زهرا *** یک جلوه کن و دل بزن ای یار به دریا

تا قدر تو معلوم شود بر همه ما *** تا این که شود دفع به دست تو بلاها

ای شافعه روز جزا حضرت نرجس

یا سیدتی قلب تو غمناک حسین است *** اندوه تو از پیکر صد چاک حسین است

مقبول دعا در حرم پاک حسین است *** درمان و شفای همه در خاک حسین است

جز تربت او نیست دوا حضرت نرجس

ای نرگس گلزار خدا ماه فروزان *** ای بانوی عیسی نفسم ای به تنم جان

لطفی کن و از تربت آن سید عطشان *** با دست عطایت بده برکام مریضان

تا از تو بگیرند شفا حضرت نرجس

ای کعبه کوی تو عبادتگه جبریل *** از جنس بلا ابرهه ای آمده با فیل

با اذن خدا امر بفرما به ابابیل *** تا این که بریزند سر بریزند سر ابرهه سجیل

الغوث که شد فتنه به پا حضرت نرجس

ص: 50

ای والده منتقم فاطمه الغوث *** ای چاره بیچارگی ما همه الغوث

دارم به لبم با دل خون زمزمه الغوث *** بر این غم و اندوه بده خاتمه الغوث

فریاد رس غمزدهها حضرت نرجس

این موج بلا ، اوج بلا در نظرم نیست *** درد است ولی این همه درد سرم نیست

بالا تر از این درد که مهدی به برم نیست *** والله که درد دگری بر جگرم نیست

افتاده ام از شور و نوا حضرت نرجس

دلسوخته غربت آن یار غریبم *** داغ غم هجران رخس گشته نصیبم

کی میرسد این دست به دامان طیبیم؟ *** با دیدن روز فرج یار و حبیبم

لطفی کن و شادم بنما حضرت نرجس

مرهم به دل غمزده ما فرج اوست *** آرامش عالم به خدا با فرج اوست

افضل ز تمامی دعاها فرج اوست *** کشتی نجات همه دنیا فرج اوست

يَوْمُ الْفَرَجِ عَزَّتْنَا حَضْرَتُ نَرْجِسَ

ص: 51

ای مادر خیر و شرف و حسن و کرامت *** ای شوهر تو یازدهم شمس امامت

خواهم ز خداوند که در روز قیامت *** محشور شوم با توبه آمن و به سلامت

زیباتر از این نیست دعا حضرت نرجس

ای سیده ی طاهره ای جان جهانم *** آتش زده یک غصه به پیدا و نهانم

ای وای گر از کربلا دور بمانم *** ترس من از این است نه از دادن جانم

واکن توره کربلا حضرت نرجس

ص: 52

عنایت امام عصر (عج) به خادم حرم عسکرین علیهما السلام با توسل به حضرت نرجس خاتون علیها السلام

این جریان به نقل از آقای شیخ مجتبی اسکندری که ساکن شهر مشهد هستند نقل شده است. ایشان نقل میکنند

دو سال قبل (زمان نقل جریان) مشرف شدیم سامرا مهمان عتبه عسکریه سلام الله علیهما بودیم ، از امامت جماعت حرم پرسیدیم: ما ر چه جریان درباره تشرف خدمت حضرت بقیه الله سلام الله علیه شنیدیم برای 200 سال قبل یا 100 سال قبل هست جریانی معاصر دارید که برای ما نقل کنید؟ این جریان را خود ایشان نقل کردند و کسی که خدمت حضرت رسیده حاضر هست در زمان نقل

قصه برای پنج سال قبل هست چون اهالی سامرا همه سنی هستند خدمت میکنند برای جاهای دیگه هستن شهرهای کسانی که در حرم دیگه عراق کسی بوده قبل از اینکه زوار شبها در حرم میخواستند رفت و آمد شبها نبوده در دستشویی های حرم کار میکرده اهل کوت بوده است جنوب عراق جوانی که تازه ازدواج کرده بوده کسانی که در حرم خدمت میکنند 10 یا 20 روز هستن بعد برمیگردن در این رفت

ص: 53

و آمدهایی که داشته در زمانی که مشغول خدمت بوده بهش خبر میدن بیا که حالت خانمت خوب نیست ایشان اولاد دار هم نمیشه به علت مریضی که خانمش داشته اینار حال خانمش خیلی وخیم شده بوده ایشان ایشان هم دائما متوسل بوده به امام هادی علیه السلام به امام عسکری علیه السلام به امام عصر علیه السلام جوابی نمی گرفته خلاصه یه روز بهش خبر میدن اگه میخوای زنت رو زنده ببینی . بیا. میگه یه شب جمعه ای بود وسایلم را جمع کردم که صبح ماشین میاد حرکت کنم آخر شب بود حرم خلوت کسی نبود گفتم زیارت وداع کنم زیارت کردم امام هادی علیه السلام امام عسکری علیه السلام رفتم به طرف قبر نرجس خاتون سلام الله علیها گفتم بی بی (نمیفهمیدم میگم) من که هر چی پسرت رو صدا میزنم جواب نمیده شما مادرشان هستید شما بگین جواب مادر را میده با ناراحتی گفتم

آمدم پیام بیرون داخل صحن هیچکس نبود با خودم گفتم شب آخره یه جارو بزنم برم جارو برداشتم شروع کردم به جارو زدن جور که جارو میزدم به مرتبه دیدم یه آقای مقابل من ایستاده که سینه مبارکش مقابل سر من بود خواستم سرم را بلند کنم مثل اینکه یه نگذارد نتوانستم سر را بلند کنم فرمود: چکار داری؟ نمیدانی من کار زیاد دارم چه شده به مادرم گفتمی مادرم گفته بیا.

جوان میگه اصلا متوجه نبودم شروع کردم به عرض حاجت، فرمودن: من میروم برو استراحت کن در خوابت میام اون موقعی که

میام وقت استجابت دعاست اون موقع دعا کن. قدمی برداشت از نظرم، رفتند دیگه ندیدم تازه به خودم اومدم رفتم خوابیدم تو خواب صورت حضرت را دیدم فرمودن نگاه کن به آسمان، سرم رو بردم بالا یه دری وسط آسمان باز شد توی اون در یه در دیگه باز شد تا هفت در فرمودن: دعا کن الان وقت استجابت دعاست، جوان میگه: من دعا کردم که خداوند به همسرم عافیت بده. حضرت فرمودن آمین، دعاگر فرمودن: برای بچه دار شدن هم دعا کن دعا کردم و حضرت هم آمین گفتن. هر دو حاجت بر آورده شد.

ص: 55

عنایت حضرت نرجس خاتون علیها السلام برای خرید خانه

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای توکلی فرمودند:

بیست سال پیش تقریباً سال 1380 چهارصد هزار تومان برای خرید خانه کم داشتم خیلی ناراحت بودم که این مقدار پول را از کجا باید جور کرد. تا اینکه شب خواب دیدم که دوتا بانوی پوشیه زده وارد شدند و یکی از آنها گفت: حضرت بی بی دو عالم نرجس خاتون سلام الله علیها فرمودند: به آقا رضا بگو ناراحت نباش خودم چهارصد هزار تومان رو جور میکنم برات بعد نقابش رو زد بالا دیدم زنعموی عیال هست هیچی بیدار شدم و دیگه خواب رو برای کسی نقل نکردم، فردا عیال بی مقدمه گفت که من زنعموم وضع مالیش خوب هست میخای مال چهارصد هزار تومان رو بهش بگم. گفتم ولس کن خواب را هم تعریف نکردم همون روز گذشت و شب شد، شب بی مقدمه زن عموی عیال زنگ زد گفت بدون اینکه از خواب مطلع باشم که من چهار صد هزار تومان کنار دارم بیکاره میخواستم بدم به شما تا برای خونتون اقدام بکنید.

به این ترتیب به لطف حضرت بی بی جان نرجس خاتون تا شب چهار صد هزار تومان درست شد السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

کتاب اختصاصی حضرت نرجس خاتون

1. ولادة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه؛ شيخ بشير حسين النجفي
2. والدة الحجة المنتظر، شيخ حيدر تربتي كربلائي
3. مادر امام عصر؛ شيخ حسين انصاريان (دار) (العرفان)
4. پژوهشی نو در باره مادر امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف؛ ناهيد طبيبي .
5. آخرين عروس؛ مهدي خداميان آراني
6. برگه‌اي از تاريخ روم درباره مادر امام زمان؛ سيد كمال؛ بنياد امام مهدي
7. نرجس خاتون مادر امام زمان ابوالفضل هادي منش (ناشر نينوا)
8. داستان زندگي نرجس خاتون؛ سيد ابو الحسن حسيني طهراني
9. شاه دخت رومي بانو نرگس؛ وارث كندی؛ ترجمه زهره واحديان
10. رويای نرجس؛ نسرین نعمتی باروق (كودكان)
11. عطر نرگس بانو نرگس خاتون؛ مهدي وحيدی صدر
12. حديث بشارت (زندگي نامه حضرت نرجس)؛ هبة الله سالم دزفولي
13. نرگس خاتون در راه است فريبا كلهر (نشر (قدیانی)

14. قریبہ آشنا ہمسفر با ملیکا مادر امام زمان از قصر قیصر روم تا سامرا؛ احمد پهلویان

15 شاهزادہ روم؛ سید محمد حسن مؤمنی؛ نشر دلیل

16. ملیکا مام خورشید عدالت؛ امین توکلی ناشر کتاب چین

17. اسیری و عروسی؛ زہرا زواریان

18. ملیکا محمد محمودی

19. نرجس خاتون یا ملکہ دختر یشوعا؛ اسماعیل پزشکیان نژاد و پسران

20. بہترین مادران؛ نرجس؛ سید محمد مہاجرانی؛ انتشارات مدرسہ

21 خاتون عشق؛ زہرا زواریان - نشر قدیانی

22. مادر امام زمان؛ محمد جواد طبسی

23 نرگس ہمدم خورشید؛ محمد باقر پور امینی؛ انتشارات نور بہار

24 عروس آفتاب؛ عاطفہ موسوی گرمارودی

25. زیباترین داستان جہان؛ سید محمد باقر موسوی

26. کالسکہ عروس زندگی نامہ حضرت نرجس

ص: 58

کتابهای غیر مستقل که در ضمن مطالبی از حضرتش آورده اند:

1. کمال الدین شیخ صدوق جلد 1 : 417 به بعد.
2. الغيبة شیخ طوسی ص 209.
3. دلائل الإمامة محمد جریر طبری، صفحه 262 به بعد
4. بحار الانوار، جلد 51 صفحه 6 به بعد
5. حق الیقین مرحوم مجلسی
6. جلاء العیون مرحوم مجلسی
7. أمهات الأئمة نجاح الطائي مؤسسه دار المهدی
8. أمهات الأئمة المعصومين؛ دراسات التاريخيه
9. أمهات المعصومين عليهم السلام : آية الله سيد محمد شیرازی
10. أمهات المعصومين عليهم السلام الكاظم البهادلي
11. أمهات الأئمة المعصومين عليهم السلام؛ دکتر سيد حسين موسوی صافی نشر کربلا
12. امامة الأئمة وزوجاتهم؛ نجاح الطائي
13. جواهر السؤداء في بعض أحوال امام العصر؛ جلد 1 في بيان تاريخ ولادته و أحوال والده؛ مصطفى الحسيني النواب
14. يوم الخلاص (روزگار رهایی؛ کامل سلیمان
15. حديقة الشيعة؛ اردبیلی جلد 2 صفحه 937

16. في رحاب الأئمة أهل البيت سيرة الأئمة جلد 2 سيره امام زمان؛ سيد محسن سن أمين حسيني حسيني عاملی
17. رياحين الشريعة؛ جلد 4
18. سيره پیشوايان؛ مهدی پیشوايي
19. مادران چهارده معصوم
20. زنان أسوه سمانه حديثه، نرجس، بهاء الدين قهرمان نژاد
21. با قاصدک داستانهای امام زمان؛ محمد يوسفیان بنياد فرهنگي حضرت موعود
22. دار السلام؛ عراقی میثمی
23. سيمای آفتاب؛ حبيب الله طاهري
24. گنجينه مقدس؛ حسيني مقدسی اميری
25. زندگانی 14 معصوم؛ آقای قاضی زاهدی گلپایگانی
26. محدثات شيعه نهلا غروي نائینی
27. آسمان در آسمان ايمان روشن بين
28. شمیم گل نرگس؛ عباس رحيمي
29. کتابچه گل نرگس؛ محمد ابراهيم حامد مهدوی
30. کتاب گل نرگس؛ حاج علی اکبر پیروی
31. دوازده مادر مهدی خدامیان ناشر عطر یاس
32. 4 بانوی تاریخ ساز؛ زهرا زواریان
33. چشم به راه مهدی مقاله نگاهی به تولد؛ ابو القاسم یعقوبی

34. داد گستر جهان؛ ابراهیم امینی، دار الفکر صفحه 181

35. اربعین خاتون آبادی

36. غریب و قریب؛ علی تبریزیان دار العلم

37. موعود نامه مجتبی تونهای میراث ماندگار

38. ترجمه امام مهدی من المحدث الی اللحد

39. فاطمه تجلی گاه انوار آفرینش؛ جلد 5 ذیل ریحانه؛ سید مجتبی برهانی

40. هزار و یک نکته پیرامون امام زمان؛ محمد رحمتی شهر رضا چاپ جمکران

ص: 61

یکی از مجربات برای بر آورده شدن حاجات این است

چهارده مرتبه سوره مبارکه کوثر هدیه به محضر مبارک حضرت نرجس علیها السلام

دیگر از مجربات : سوره مبارکه صافات هر جمعه هدیه به روح مطهر و منور سیدتنا نرجس سلام الله علیها برای سهولت کار در هفته.

ص: 62

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

